

تاریخ نگاری در کرمان



شمس الدین محبی

انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان

۳۱۲



Historiography in Kerman

Sh. Najmi

Shahid Bahonar University
of Kerman Publications

312

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۲۰۱ - ۰۰۱ - ۸
ISBN: 978 - 600 - 201 - 001 - 8



۳۱۲

انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ‌نگاری در کرمان

(آشنایی با تاریخ‌نگاران کرمانی و آثار آن‌ها)

شمس‌الدین نجمی

سرشناسه:	نجمی، شمس‌الدین، ۱۳۲۸--
عنوان و نام پدیدآور:	تاریخ‌نگاری در کرمان: آشنایی با تاریخ‌نگاران کرمانی و آثار آن‌ها / تألیف شمس‌الدین نجمی.
مشخصات نشر:	کرمان: دانشگاه شهید باهنر (کرمان)، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری:	۲۶۶ ص: مصور.
فروست:	انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ ۳۱۲.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۲۰۱-۰۰۱-۸
وضعیت فهرست‌نویسی:	فپیا
یادداشت:	عنوان به انگلیسی: Historiography in Kerman
موضوع:	تاریخ‌نویسان ایرانی -- سرگذشتنامه
موضوع:	تاریخ‌نویسی -- ایران
شناسه افزوده:	دانشگاه شهید باهنر کرمان
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۰ ت ۳/۹۴ DSR
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵/۰۰۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی:	۲۲۶۳۵۸۰

تاریخ‌نگاری در کرمان: آشنایی با تاریخ‌نگاران کرمانی و آثار آن‌ها

تألیف: دکتر شمس‌الدین نجمی
 ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان
 طراح جلد: زهرا آقاعباسی
 نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه چاپ و نشر فرهنگ
 قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۱-۰۰۱-۸
 ISBN: 978-600-201-001-8

کلیه حقوق برای دانشگاه شهید باهنر کرمان محفوظ است.

تواریخ،

خزاین اسرار امور است.

و هر که از علایم تواریخ اعراض کند،

دست زمانه بر وی دراز شود.

«تاریخ بی‌هقی»

چنین یاد دارم ز اهل هنر
که علم خبر، به ز دُرَج دُرَر
اگر حَظّ چشم از دُرَر حاصل است
بصیرت زِ علم خبر کامل است
نبینی که قرآن وافی الشَّرَف
بود مُشْتَمَل بر حدیث سَلَف
چو تاریخ را این شرف حاصل است
پسندیدهٔ مردم فاضل است

(خواند میر، مقدمهٔ حبیب السیر)

تقدیم به :

روح بزرگ فرزانه ارجمند، استادم،

دکتر عبدالحسین نوایی؛

که از «نوا» بود،

بی نوا زیست

و با نوا رفت.

سپاسگزاری

اینک که به یاری خداوند بزرگ کار تألیف و تدوین این کتاب به پایان آمد بر خود لازم می‌دانم از همه عزیزانی که به نحوی اینجانب را در انجام این پژوهش یاری دادند، سپاسگزاری کنم.

با سپاس از استاد و همکار ارجمند شادروان دکتر محمدجواد برومندسعید که با اهدای عکسی از «میرزا آقاخان کرمانی» مرا به اتمام این پژوهش تشویق نمودند و قدردانی از همکاری آقای مجید نیک‌پور کارشناس محترم سازمان اسناد ملی شعبه کرمان که در تهیه برخی از منابع مرا یاری دادند.

هم‌چنین با تشکر از خانم بشرا رئیس‌آبادی، عاطفه درویشان و قمر مطلوب که در کار تهیه منابع، صفحه‌آرایی، تایپ و ویرایش متن یاری‌رسان من بودند و سرانجام از همکار بزرگوار آقای دکتر یدالله آقاعباسی مدیر محترم اداره چاپ و نشر دانشگاه و همکاران شریف ایشان که مقدمات چاپ و نشر این کتاب را فراهم آوردند ممنونم و توفیق روزافزون ایشان را از پیشگاه خداوند متعال مسئلت دارم.

با احترام

شمس‌الدین نجمی

بهار ۱۳۸۹

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۹-۲۱
فصل اول: زمینه تاریخی نگاری در کرمان.....	۲۳-۳۳
فصل دوم: افضل الدین ابوحامد کرمانی (۶۱۵ هـ.ق - ۵۳۰ هـ.ق).....	۳۵-۷۲
الف) زندگی نامه.....	۳۵
ب) آثار و تألیفات.....	۵۴
۱- عَقْدُ الْعُلَى لِلْمَوْقِفِ الْأَعْلَى.....	۵۵
۲- بَدَائِعُ الْأَزْمَانِ.....	۵۸
۳- الْمُضَافُ إِلَى بَدَائِعِ الْأَزْمَانِ.....	۵۹
۴- صَلَاحُ الصَّحَاحِ فِي الطَّبِّ.....	۶۱
ج) سبک نگارش.....	۶۲
د) نقد آثار.....	۶۴
هـ) افضل، شاعری توانا.....	۶۶
و) افضل، طبیبی حاذق.....	۷۰
فصل سوم: ناصرالدین منشی کرمانی (۷۳۵ هـ.ق - ۶۶۸ هـ.ق).....	۷۳-۸۷
الف) زندگی نامه.....	۷۳
ب) آثار و تألیفات.....	۷۵
۱- سَمَطُ الْعُلَى لِلْخَضْرَاءِ الْعُلَى.....	۷۵
۲- تَتَمُّعُ سَمَطِ الْعُلَى.....	۷۷
۳- نَسَائِمُ الْأَسْحَارِ مِنْ لَطَائِمِ الْأَخْبَارِ.....	۷۷
۴- دُرَّةُ الْأَخْبَارِ وَ لَمْعَةُ الْأَنْوَارِ.....	۷۹
ج) سبک نگارش.....	۸۰
د) خدمات.....	۸۴
هـ) دیدگاهها.....	۸۶
فصل چهارم: سعید محرابی کرمانی (وفات نیمه دوم قرن ۱۰).....	۸۹-۹۴
الف) اصل و نسب.....	۸۹
ب) زندگی نامه.....	۹۰
ج) آثار و تألیفات.....	۹۱
مزارات کرمان.....	۹۱
مُسَقَّطَاتُ كِتَاب.....	۹۲

- د) سبک انشاء کتاب مزارات کرمان ۹۳
- ارزش کتاب «مزارات کرمان» ۹۳
- فصل پنجم: میرزا محمد ابراهیم خبیسی (وفات ۱۰۳۵ ه. ق.)** ۹۵-۱۰۴
- الف) زندگی نامه ۹۵
- ب) آثار و تألیفات ۱۰۰
- ۱- تاریخ سلجوقیان و غز در کرمان ۱۰۰
- ۲- وقف نامه گنج علی خان ۱۰۱
- ج) نقد آثار ۱۰۲
- ۱- تاریخ سلجوقیان و غز در کرمان ۱۰۲
- ۲- وقف نامه گنج علی خان ۱۰۴
- فصل ششم: ملا اسکندر فرزند ملا گشتاسب (قرن ۱۳ ه. ق.)** ۱۰۵-۱۱۱
- الف) اصل و نسب ۱۰۵
- ب) زندگی نامه (یادداشت های کی خسرو شاه رخ) ۱۰۷
- ج) اثر ۱۰۹
- مُحققُ التاریخ ۱۰۹
- فصل هفتم: میرزا حسین وزیر (وفات ۱۲۷۰ ه. ق.)** ۱۱۳-۱۱۷
- الف) زندگی نامه ۱۱۳
- ب) اثر ۱۱۵
- فصل هشتم: احمد علی خان وزیری (۱۳۱۷ ه. ق- ۱۲۱۵ ه. ق.)** ۱۱۸-۱۳۳
- الف) اصل و نسب ۱۱۹
- ب) زندگی نامه ۱۲۴
- ج) آثار و تألیفات ۱۲۶
- ۱- تاریخ کرمان ۱۲۶
- ۲- جغرافیای کرمان ۱۲۹
- د) سبک نگارش ۱۳۰
- فصل نهم: میرزا آقاخان کرمانی (۱۳۱۴ ه. ق- ۱۲۷۰ ه. ق.)** ۱۳۴-۱۷۹
- الف) اصل و نسب ۱۳۵
- ب) زندگی نامه ۱۳۶
- تحصیلات ۱۴۱
- شخصیت علمی ۱۴۲
- ج) آثار و تألیفات ۱۴۴
- ۱- آئینه اسکندری یا تاریخ ایران باستان ۱۴۶

۱۴۶.....	۲- انشاءالله ماشاءالله.....
۱۴۷.....	۳- تاریخ ایران از اسلام تا سلجوقیان.....
۱۴۷.....	۴- تاریخ شانزمان ایران.....
۱۴۸.....	۵- تاریخ قاجاریه و سبب ترقی و تنزل دولت و ملت ایران.....
۱۴۸.....	۶- ترجمه تلماک.....
۱۴۹.....	۷- ترجمه عهدنامه مالک اشتر.....
۱۴۹.....	۸- تکوین و تشریع.....
۱۴۹.....	۹- حکمت نظری.....
۱۴۹.....	۱۰- در تکالیف ملت.....
۱۴۹.....	۱۱- رساله عمران خوزستان.....
۱۵۰.....	۱۲- رضوان.....
۱۵۰.....	۱۳- ریحان بوستان افروز.....
۱۵۱.....	۱۴- سه مکتوب و صد خطابه.....
۱۵۲.....	۱۵- عقاید شیخیه و بابیه.....
۱۵۲.....	۱۶- مجموعه نامه‌های خصوصی میرزا آقاخان.....
۱۵۲.....	۱۷- مقالات.....
۱۵۲.....	۱۸- نامه باستان.....
۱۵۴.....	۱۹- نامه سخن (آئین سخنوری).....
۱۵۴.....	۲۰- هشت بهشت.....
۱۵۵.....	۲۱- هفتاد و دو ملت.....
۱۵۶.....	د) سبک نگارش.....
۱۵۶.....	۱- تفکر و تطور تاریخی.....
۱۷۱.....	۲- ایدئولوژی ناسیونالیسم.....
۱۷۶.....	ه) خدمات.....
۱۷۹.....	و) دیدگاه‌ها.....
۱۸۰-۱۸۹.....	فصل دهم: ناظم الاسلام کرمانی (۱۳۳۷ ه.ق. - ۱۲۸۰ ه.ق.).....
۱۸۱.....	الف) زندگی نامه.....
۱۸۱.....	ب) آثار و تألیفات.....
۱۸۲.....	تاریخ بیداری ایرانیان.....
۱۸۵.....	ج) سبک نگارش.....
۱۸۷.....	د) نقد آثار.....
۱۸۷.....	تاریخ بیداری ایرانیان.....
۱۸۹.....	ه) خدمات.....

فصل یازدهم: شیخ یحیی احمدی کرمانی (۱۳۳۹ ه. ق. - ۱۲۸۷ ه. ق.) ۱۹۰-۱۹۹

- الف) زندگی نامه ۱۹۱
- ب) آثار و تألیفات ۱۹۶
- ۱- تاریخ هفت هزار سال ۱۹۶
- ۲- تاریخ کرمان ۱۹۶
- ۳- کتاب‌های کوچک در «هیأت و جغرافیا» ۱۹۶
- ۴- فرماندهان کرمان ۱۹۶
- ۵- تاریخ یحیی (نسخه نویافته تاریخ ایران) ۱۹۷
- ج) خدمات ۱۹۸

فصل دوازدهم: مجدالاسلام کرمانی (۱۳۰۲ ه. ش. - ۱۲۸۸ ه. ق.) ۲۰۰-۲۱۷

- الف) اصل و نسب ۲۰۱
- ب) زندگی نامه ۲۰۴
- فعالیت‌های سیاسی ۲۰۶
- ج) آثار و تألیفات ۲۰۹
- ۱- رویای صادق ۲۰۹
- ۲- سفرنامه کلات ۲۰۹
- ۳- منظومه شهر خاموش (خاموشان) ۲۱۰
- ۴- دیوان اشعار ۲۱۰
- ۵- تاریخ انقلاب مشروطیت ۲۱۰
- ۶- روزنامه ندای وطن ۲۱۱
- ۷- روزنامه الجمال ۲۱۱
- ۸- روزنامه کشکول ۲۱۲
- ۹- روزنامه محاکمات ۲۱۳
- د) دیدگاه‌ها ۲۱۶

فصل سیزدهم: سعیدنفیسی کرمانی (۱۳۴۵ ه. ش. - ۱۲۷۴ ه. ش.) ۲۱۸-۲۳۳

- الف) اصل و نسب ۲۱۹
- ب) زندگی نامه ۲۲۲
- ج) زمینه آثار و تألیفات ۲۲۶
- ۱- تاریخ ایران ۲۲۶
- ۲- داستان نویسی ۲۲۶
- ۳- تاریخ ادبیات و تصوف ایران ۲۲۷
- ۴- نشر منتقادی و تصحیح متون نثر و نظم ادب فارسی ۲۲۷
- ۵- ترجمه آثار ادبی ۲۲۷
- د) سبک نگارش ۲۲۹
- ه) خدمات ۲۲۹

فصل چهاردهم: محمد ابراهیم باستانی پاریزی (در حیات - ۱۳۰۴ ه. ش) ۲۵۹-۲۳۴

الف) زندگی نامه ۲۳۶

ب) آثار و تألیفات ۲۴۰

۱- آسیای هفت سنگ ۲۴۱

۲- از پاریز تا پاریس ۲۴۱

۳- از سیر تا پیاز ۲۴۱

۴- اژدهای هفت سر ۲۴۲

۵- زیر این هفت آسمان ۲۴۲

۶- پرده‌هایی از میان پرده ۲۴۲

۷- تلاش آزادی ۲۴۲

۸- حرف‌های تاریخی ۲۴۲

۹- نون جو، دوغ گو ۲۴۳

۱۰- خاتون هفت قلعه ۲۴۳

۱۱- خود مشیت و مالی ۲۴۴

۱۲- خوشمزه‌گی‌ها ۲۴۷

۱۳- جامع‌المقدمات ۲۴۷

۱۴- در خاک پاک ۲۴۷

۱۵- در کنار فرات ۲۴۸

۱۶- ذوالقرنین یا کوروش ۲۴۸

۱۷- سایه‌های کنگره ۲۴۸

۱۸- سلجوقیان و غز در کرمان ۲۴۸

۱۹- سیاست و اقتصاد عصر غزنوی ۲۴۸

۲۰- شاهنامه آخرش خوش است ۲۴۹

۲۱- فرماندهان کرمان ۲۴۹

۲۲- کوچه هفت‌پیچ ۲۴۹

۲۳- نای هفت‌بند ۲۴۹

۲۴- نوح هزار طوفان ۲۵۰

۲۵- وادی هفتواد ۲۵۰

۲۶- هزارستان ۲۵۰

۲۷- یادبود من ۲۵۰

۲۸- یعقوب‌لیث ۲۵۰

ج) سبک نگارش ۲۵۱

د) نقد آثار ۲۵۵

منابع ۲۶۶-۲۶۱

مقدمه

تاریخ دانشی است که اگر نتواند به ما بگوید به کجا می‌رویم، لااقل می‌گوید که از کجا آمده‌ایم، که بوده‌ایم، چه اندیشیده‌ایم، چه داشته‌ایم، چه خواسته‌ایم، چه گفته‌ایم، چه کرده‌ایم و... . تاریخ آیینۀ تمام‌نمایی است که گذشتهٔ اقوام و ملل و وقایع گوناگونی که بر آن‌ها گذشته، اعم از خوبی‌ها و بدی‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌ها، زشتی‌ها و زیبایی‌ها و حق‌شناسی‌ها و ناسپاسی‌ها در آن جلوه‌گر است. تاریخ‌نگاری، فن و هنری است که بدون هیچ کم و کاست، با رعایت کامل بی‌طرفی و به دور از جانب‌داری و مخالفت، حقایق زندگی بشر را با شجاعت، امانت و صداقت جلوه‌گر می‌سازد. درست مانند نقاش چین ... !!!

تاریخ بی‌ظنیر، شکوهمند و پرفراز و نشیب ایران زمین سرشار است از شادی‌ها و غم‌ها، شکست‌ها و پیروزی‌ها و خدمتگزاری‌ها و خیانت‌ها که در طول سال‌های دراز بر چهرۀ این سرزمین نقش بسته است، آن‌چنان که بیان و گزارش این رویدادها در هر دوره دست کم ده‌ها جلد کتاب را شامل می‌شود.

در بخش تاریخ نواحی ایران، تاریخ گواهی می‌دهد که ناحیۀ کرمان در گذشته یکی از کانون‌های مدنیت و فرهنگ ایرانی بوده و به ویژه در دورۀ اسلامی، دانشمندان برجستۀ ای را در رشته‌های گوناگون علمی به جامعۀ ایرانی عرضه کرده است. در میان انبوه این فرزاتگان که شامل: ادیبان، شاعران، ریاضی‌دانان، ستاره‌شناسان، عارفان، پزشکان و هنرمندان بوده‌اند، البته «تاریخ‌نگاران» جایگاه ویژه‌ای دارند، که تاکنون به طور شایسته و مستقل به آنان پرداخته نشده و نسبت به معرفی ایشان و آثارشان اقدامی درخور به عمل نیامده است.

این گروه که حدود چهارده نفر می‌باشند از افضل‌الدین ابوحامد کرمانی (پزشک و تاریخ‌نگار سدهٔ ششم هجری) تا محمدابراهیم باستانی‌پاریزی (تاریخ‌نگار معاصر)، هر یک در زمان خود با توجه به شرایط خاص زمانی و مکانی، توانسته‌اند ضمن تأثیرگذاری در اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی کشور، گزارش‌ها و تفاسیر دقیق و مفصلی را از رویدادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی به صورت مکتوب و بسیار ارزشمند، از خود به جای گذارند که امروز نه تنها منابع مفیدی برای «کرمان پژوهی» محسوب می‌شوند، بلکه در ردیف منابع معتبر تاریخ ایران نیز به‌شمار می‌آیند.

تاریخ‌نگاران کرمان از قرن ششم تا پانزدهم هجری قمری (عصر حاضر)، یعنی در یک دوره تقریباً هزار ساله، به خوبی توانسته‌اند با خلق آثار خود، در دوره‌های کاملاً متفاوت سیاسی و حکومتی و سلطه اقوام بیگانه‌ای مانند ترک، مغول، تاتار و... از حریم فرهنگ و تاریخ ایران در این ناحیه بسیار مهم - از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی - از پیکره ایران بزرگ، پاسداری نمایند و در حقیقت، یک «مکتب تاریخ نگاری» مخصوص به خود را به وجود آورند. این ویژگی به صورتی است که در مقام مقایسه وضعیت ناحیه کرمان با دیگر نواحی ایران هم‌چون آذربایجان، کردستان، خوزستان، فارس، اصفهان و خراسان بی‌نظیر است، و به همین سبب تعداد و آثار تاریخ‌نگاران کرمانی به راستی زیادت، ارزشمندتر و چشم‌گیرتر است.

لذا با توجه به پیشینه تاریخی و غنای فرهنگی کرمان و هم‌چنین نقش مهمی که همواره در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران داشته است، شایسته است که بابی تازه درباره کرمان پژوهی تاریخی گشوده شود. بدین سبب، این بنده ناچیز بر آن شدم تا این موضوع مهم، یعنی «معرفی تاریخ‌نگاران کرمان» و سبک و آثار آنان را در پژوهشی جداگانه مورد بررسی و تحلیل قرار دهم. با این هدف که نام آن‌ها از لابه‌لای تواریخ بیرون آید و گرد فراموشی از چهره آنان زده شود آن‌چنان که به گونه‌ای زنده و روشن در تاریخ معاصر ایران ضبط و ثبت گردد و ضمناً خدمتی باشد هرچند ناچیز، برای تاریخ ایران و نسل جوان؛ به ویژه دانش‌جویان، پژوهندگان و دوستداران تاریخ، تا خدمتگزاران بزرگ و بی‌ادعای سرزمین خود را بهتر بشناسند و دنباله‌رو آنان گردند. در این پژوهش، «تاریخ‌نگاران کرمان» به ترتیب زمان زندگی، همراه با خدمات و آثار آن‌ها معرفی می‌شوند.

اشاره به این مسئله مهم ضروری است که «تاریخ‌نگاران کرمان» به جز احمدعلی‌خان وزیری، مؤلف «تاریخ کرمان» (سالاریه) در عصر ناصری که خود و پدرانش در خدمت شاهان قاجار بودند و پدر بزرگ او همان «حاج آقا علی وزیر» که آقا محمدخان قاجار را برای تصرف کرمان به این دیار دعوت کرد و او را یاری داد، دیگر تاریخ‌نگاران عمدتاً مستقل و غیر وابسته بوده‌اند. شخصیت‌هایی چون: افضل‌الدین ابوحامد کرمانی (۶۱۵ ه.ق. - ۵۳۰ ه.ق.)، ناصرالدین منشی کرمانی (۷۳۵ ه.ق. - ۶۶۸ ه.ق.)، محمد ابراهیم خبیصی (وفات ۱۰۳۵ ه.ق.)، میرزا آقاخان کرمانی (۱۳۱۴ ه.ق. - ۱۲۷۰ ه.ق.)، ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۳۷ ه.ق. - ۱۲۸۰ ه.ق.)، سعید نفیسی کرمانی (۱۳۴۵ ه.ش. - ۱۲۷۴ ه.ش.) و دکتر باستانی‌پاریزی (در حیات - ۱۳۰۴ ه.ش.) که به راستی سرمایه‌های تاریخ و ادب و فرهنگ معاصر ایران به‌شمار می‌آیند.

از میان ۱۴ تاریخ‌نگار کرمانی، متأسفانه تاکنون اطلاعات کافی و لازم درباره سه نفر آن‌ها

به نام‌های: ملا اسکندر فرزند ملا گشتاسب منجم، مؤلف «مَحَقَّقُ التَّارِيخِ»، میرزا حسین وزیر، مؤلف «تاریخ کرمان» و زُهَنی کرمانی، مؤلف «تاریخ زُهَنی» به دست نیامد. امید است تا چاپ بعدی این دفتر، به یاری خداوند بزرگ و پایمردی و کمک تاریخ دوستان کرمانی، اطلاعات لازم به دست آید تا بتوانیم به خوانندگان و دوستداران تاریخ کرمان ارائه دهیم. لذا از خوانندگان ارجمند درخواست می‌کنم که اگر اطلاعات یا منبعی راجع به این سه نفر تاریخ‌نگار در دست دارند، با ارسال به نشانی «اداره چاپ و نشر دانشگاه شهیدباهنر کرمان» نگارنده را آگاه نمایند.

امروزه در حوزه علوم انسانی تهیه تذکرها و گوناگونی از نویسندگان، شاعران، هنرمندان و ... معمول و مرسوم است؛ اما این کار در عرصه تاریخ کم‌تر انجام شده و کاری تازه است؛ آن هم در منطقه‌ای که حدود یکصد جلد کتاب تاریخی تألیف شده است.

در این پژوهش سعی خواهد شد تا با استفاده و استناد به منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مدارک و آثاری که از این تاریخ‌نگاران در دست است، ارزیابی و نگرشی تازه نسبت به مکتب تاریخ‌نگاری کرمان به عمل آید و همچنین مجموعه و دفتری تازه و مطلوب با هدف شناساندن این افراد و آثار آنان تدوین گردد.

شمس الدین نجمی

بهار ۱۳۸۹ - کرمان

فصل اول

زمینه تاریک‌نگاری در کرمان

۱- تأثیر جغرافیای طبیعی و تاریخی کرمان بر تاریک‌نگاری آن

سرزمین پهناور کرمان که از یک سو ریگ‌های روان کویر، از سوی دیگر سواحل و سرزمین‌های حاصلخیز و پر باران جنوب، و از دیگر سو، کوه‌های مرتفع و پر برف مرکزی و مراتع غربی آن را در بر گرفته‌اند، از آب و هوایی متنوع ویژه‌ای برخوردار است که گاه در مناطق مختلف آن، اختلاف دما در یک روز به فراتر از ۳۰ درجه می‌رسد. در حالی که در گرم‌ترین روزهای تابستان در سلسله کوه‌های کرمان، هوای بهاری حکم فرماست، شهرهای جنوبی و بیابان‌های شرقی، گرمایی غیرقابل تحمل دارند. این ویژگی اگرچه برای کرمانیان چندان محسوس نیست، اما نزد کسانی که از کرمان گذر می‌کنند، بسیار مهم می‌نماید، به گونه‌ای که «سرپرسی مولزورث سایکس» که در دهه‌های پایانی سده نوزدهم و آغاز سده بیستم مهم‌ترین چهره انگلیسی در کرمان به‌شمار می‌رود، در مورد گذشتن از گردنه‌های مرتفع کرمان، در این باره می‌نویسد: «اولین مرتبه‌ای بود که من بدون احساس حرارت از اراضی مرتفعی عبور می‌کردم»^۱.

تنوع آب و هوایی کرمان و برخورداری این سرزمین از اقلیم‌های مختلف، اگرچه از عوامل مؤثر در سیر تاریخی آن به‌شمار می‌رود، اما شرایط مساعد اقتصادی، تنوع فرصت‌های شغلی، وجود ذخایر معدنی، عبور گذرگاه‌های مهم تجاری از این سرزمین، سازش زندگی شبان‌کاری، کشاورزی و شهرنشینی به

۱- سرپرسی مولزورث سایکس، سفرنامه (ده هزار میل در ایران)، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، کتابخانه ابن‌سینا، ۱۳۳۶، ص ۵۲.

عنوان عوامل اقتصادی نیز در تحولات تاریخی آن مؤثر بوده است. این در حالی است که گذشته این سرزمین، بیان گر اهمیت آن از نظرگاه سیاست کشورداری در دوران های مختلف تاریخی است. به گونه ای که از دوره های پیش تاریخی و دورانی که تپه های باستانی این منطقه مانند: ابلیس، یحیی، خبیص (شهداد)، دقیانوس و... در روند تمدن بشری تأثیرگذار شدند. تا دوران تاریخی که کارمانیای عهد هخامنشی از مهم ترین بخش های ایران زمین به شمار می رفت و دوره های دیگر تاریخی ایران که مکرراً مراکز حکومتی کرمان تغییر می یافت و تحولات کرمان در پرتو تحولات تمامی ایران و از مراکز تأثیرگذار در روند تاریخی ایران زمین بود.

پس از اسلام نیز کرمان با دوره های برانده ای از تاریخ سیاسی و اجتماعی روبه رو بوده است. گذشته از قرون نخستین اسلامی، که کرمان پل ارتباطی سرزمین های شرقی قلمرو اسلامی با دستگاه خلافت محسوب می شد و سلسله هایی مانند: الیاسیان (آل الیاس)، صفاریان سیستان و بوئیان (آل بویه) در این سرزمین حضور یا در آن اعمال نفوذ داشتند، در تاریخ میانه ایران، سلسله های محلی کرمان مانند: سلجوقیان (قاوردیان)، قراختائیان (براق حاجبیان) و خرده حکومت های بعدی از تأثیرگذاران مهم در تاریخ ایران به شمار می روند.

جغرافیای تاریخی کرمان به این دوران محدود نمی شود، به گونه ای که از تاریخ میانه تا دوره کنونی در تمامی تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران تأثیر داشته است و اکنون نیز از مهم ترین بخش های مؤثر در اعتلای ایران به شمار می رود. اما این پرسش مطرح می شود که با این توصیف، جغرافیای طبیعی و تاریخی کرمان تا چه اندازه در تاریخ نگاری آن تأثیر داشته و تاریخ نگاران کرمان، براساس چه معیارهایی در تاریخ جنوب شرق ایران تأمل کرده اند؟

پاسخ به این پرسش نیازمند پژوهش اساسی در جغرافیای تاریخی کرمان و بنیان های فکری تاریخ نگاران آن است. ناگفته نماند که کرمان به عنوان یکی از بخش های ایران مانند فارس، اصفهان، یزد، رویان (مازندران)، آذربایجان و خراسان بزرگ می باشد، اما آن چه در بررسی تواریخ محلی این نواحی شایان توجه است، آن است که کدام یک از تاریخ نگاران محلی این بخش ها، ضمن پرداختن به تاریخ یک بخش از ایران زمین، با نوعی بینش کلان نگر تاریخی در تاریخ تمامی ایران تأمل

کرده‌اند؟ نکته جالب این است که تاریخ‌نگاران کرمان در این خصوص از همگان پیشی گرفته‌اند، به گونه‌ای که نگاه به آثار کرمانیان در مورد تاریخ این ناحیه، نمایان می‌سازد که مورخان کرمانی همسان با تاریخ کرمان، تمامی تاریخ ایران را در محدوده زمانی خاصی، مورد بررسی قرار داده‌اند. برای نمونه می‌توان به هر یک از آثار افضل کرمانی که آثار او مربوط به تاریخ سلجوقیان کرمان است، اشاره نمود. اوج این نگرش به تاریخ را می‌توان در کتاب ارزشمند «تاریخ کرمان وزیری» جستجو کرد؛ کتابی که با توجه به حواشی و مقدمه مفصل مصحح آن، در واقع نگاه به تاریخ ایران اما با تأکید به بررسی تاریخ کرمان است.

از آن‌جا که جغرافیای طبیعی و تاریخی کرمان زمینه‌ساز تحولات مهمی در تاریخ این منطقه بوده، مسلماً در روند تاریخ‌نگاری آن نیز تأثیر داشته است، همین که تاریخ‌نگاران کرمان تعلق‌خاطر خاصی به کرمان داشته‌اند، مؤید این نکته است؛ به گونه‌ای که افضل کرمانی، آن زمان که در یزد به سر می‌برد. سودای بازگشت به کرمان را داشت، اگر چه اتابکان یزد به هر وسیله‌ای متوسل شدند که از بازگشت او جلوگیری کنند، اما او مقید شده بود که :

در کوی تو گر به قتل رایم بزنند آیم بَرَت ار هزار جایم بزنند^۱

و تلاش کرد که به کرمان باز گردد.

تعلق‌خاطر مورخان کرمانی به زادگاه خود، به‌غیر کرمانی‌هایی نیز که در تاریخ‌نگاری کرمان صاحب نام هستند سرایت کرده‌است، چنان که ناصرالدین منشی، که یزدی‌الاصل و زاده و پرورده یزد بود چنان به کرمان تعلق‌خاطر داشت که ملقب به «کرمانی» شد و با نوشتن کتاب ارزشمند «سِمَطُ الْعَلَى لِلْخَضْرَاءِ الْعَلِیَا» در تاریخ‌نگاری کرمان صاحب نام گشت. این تعلق‌خاطر در میان سایر مورخان کرمانی نیز به‌چشم می‌خورد. بی‌شک، بارزترین نمونه آن دکتر باستانی‌پاریزی است که با نوشتن نزدیک به شصت کتاب و حدود یک هزار مقاله همواره به یاد کرمان بوده و در تمامی آثار وی نام و یاد کرمان به‌چشم می‌خورد، به گونه‌ای که تاریخ‌نگاری کرمان با تلاش و کوشش‌های وی به مرحله‌ای از کمال رسیده است. بر این اساس، بایستی ضمن توجه به تأثیر جغرافیای

۱- افضل‌الدین کرمانی، عِقْدُ الْعَلَى لِلْمَوْقِفِ الْأَعْلَى، تهران، نشر روزبهان، ۱۳۵۶، ص ۱۵۹.

طبیعی و تاریخی کرمان در اندیشه تاریخ‌نگاران کرمانی، به بنیان‌های فکری آنان در تاریخ‌نگاری پرداخت.

۲- بنیان‌های فکری در تاریخ‌نگاری کرمان

از آن‌جا که نوشته‌های افضل کرمانی، قدیم‌ترین نوشته‌هایی است که اختصاصاً درباره یک دوره از تاریخ کرمان و توسط یک نفر کرمانی صاحب درایت، به گونه‌ای مدوّن و اصولی نگارش یافته است، بایستی به تاریخ‌نگاری کرمانیان، دست کم از زمان وی، یعنی اواخر قرن ششم هجری نگاه کرد؛ بنابراین اگر، افضل کرمان پایه‌گذار تاریخ‌نگاری کرمان محسوب شود، با توجه به درایت علمی، توانایی در دانش پزشکی و تجربه‌ای که او در امور دیوان‌سالاری دارد، این نکته نیز حایز اهمیت خواهد بود که تاریخ‌نگاری کرمان از سنگ‌بنای محکم و استواری برخوردار بوده‌است.

افضل اندیشه پرورش یافته خود را با آگاهی‌هایی که در دانش پزشکی داشت و با تجربه‌هایی که از مصاحبت با سلاطین سلجوقی کرمان و اتابکان یزد به دست آورده بود، توأم ساخت و در تاریخ‌نگاری خود به کار گرفت. از این‌رو تاریخ‌نگاری افضل، فراتر از وقایع‌نگاری‌های معمول بود. این در حالی است که هنر او در به کارگیری فنون و صنایع ادبی، بر زیبایی و ظرافت نوشتارهای تاریخی‌اش افزوده، چنان‌که در کتاب «عقد العلی» در جای جای متن از آوردن اشعار و مثل‌های عربی پرهیز نمی‌کند. اگرچه این سبک در دوره سلجوقی به گونه‌ای برانزنده رایج بوده و حتی در آثاری مانند «راحه الصدور و آیه السور» راوندی نیز تأثیر مطلوب داشت، اما افضل کرمانی، به کارگیری صنایع ادبی را چنان رعایت می‌کند که نه تنها از تحلیل تاریخی او نمی‌کاهد، بلکه با آوردن استعاره، کنایه، ایهام، تشبیه و سایر فنون ادبی، نکته سنجی‌های ظریفی از حوادث ارائه می‌دهد.

نکته مهم در اندیشه تاریخ‌نگاری افضل، بهره‌مندی او از توانایی‌های فکری است که در بررسی سیاست مدّن دستی توانا دارد. او سعی می‌کند که در سیاست مملکت‌داری با ایده‌پردازی در تحریض بر عدل و شرح اخلاق ملوک بکوشد، اگرچه سوق دادن ملوک به عدل در نزد وزیران و دیوان‌سالاران دوران سلجوقی جایگاه داشته‌است و این دیوان‌سالاران ایرانی بوده‌اند که سعی کرده‌اند سلاطین ترک‌نژاد سلجوقی را با آداب مملکت‌داری ایرانی آشنا کنند. از آن میان خواجه نظام‌الملک توسی که معتقد بود: «ملک با عدل بپاید و با ظلم نشاید»، اما افضل کرمانی دیدگاه‌های خود را نه در بررسی

سیاست مُدُن برای تألیف سیاست‌نامه، که در تدوین کتابی تاریخی ذکر می‌کند و از این نظر بین تاریخ و سیاست ارتباط مستحکمی ایجاد می‌نماید.

افضل کرمانی یک طبیب بود، طبیبی که می‌توانست دردهای افراد را تشخیص دهد، بیماری‌ها را بشناسد و برای آن‌ها دارو و درمان تجویز کند. او حتی دست به تألیف رساله‌ای موسوم به «صِلَاحُ الصَّحَاحِ فِي الطَّبِّ» زد و در طب صاحب‌نظر گردید. چنین شخصیتی، از آن‌جا که معتقد بود پیش‌گیری بهتر از درمان است، در تاریخ‌نگاری خود نیز سعی می‌کرد از آموخته‌های پزشکی استفاده کند، به‌گونه‌ای که او به‌عنوان یک مورخ، طبیب اجتماع نیز قلمداد می‌شود، او سعی می‌کرد دردهای اجتماع را بشناسد و از این طریق، به درمان و التیام اجتماع کمک نماید. از این‌رو، این جمله دکتر باستانی‌پاریزی که نگاهی فلسفی به تاریخ قلمداد می‌شود، ضمن این‌که در مورد تمامی مورخان نکته سنج صدق می‌کند، در مورد افضل یک شناسه برجسته محسوب می‌شود؛ آن‌جا که بیان می‌کند: «کار مورخ مانند طبیب، ترمیم و پُر کردن جای بریدگی‌ها و التیام جراحات تاریخ است»^۱

بر این اساس، افضل نیز مسئولیت مورخ را خوب درک می‌کند و برای این‌که بتواند این جراحات را به بهترین وجه ترمیم نماید، باید که در تحریر تاریخ از هیچ نکته‌ای غافل نشود، و همان‌گونه که یک پزشک برای درمان درست بیماری باید به آزمایش‌های مختلف دست بزند، ضعف‌های بیمار را تشخیص دهد، عوامل تشدید بیماری را شناسایی کند و در رفع آن‌ها بکوشد، افضل نیز به‌عنوان یک مورخ که طبیب اجتماع محسوب می‌شود، سعی در شناسایی علل ضعف جامعه در دوره سلاجقه کرمان دارد. او ضمن به تصویر کشیدن ویژگی‌های اجتماعی کرمان، سعی می‌کند با بررسی جغرافیا، اقتصاد، فرهنگ و مناسبات سیاسی این منطقه در شکوفایی تاریخ‌نگاری کرمان بکوشد. کاری که او در کتاب «عقد الفلی» انجام می‌دهد، گذشته از این‌که در بردارنده بخشی از تاریخ کرمان در دوره سلاجقه می‌باشد، رساله‌ای است در پند و اندرز و آداب و سیاست و ملک‌داری^۲.

۱- باستانی‌پاریزی، محمد ابراهیم، خود مشت و مالی، تهران، نشر نامک، ۱۳۷۸، ص ۱۱۶.

۲- موسوی بجنوردی، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۹، ص

افضل کرمان گذشته از این کتاب، آثار دیگری نیز دارد که در تاریخ نگاری مهم می باشند، اگرچه معروف ترین اثر وی که ظاهراً کتابی مفصل و منشیانه به نام «البدایع الأزمان فی وقایع کرمان» در تاریخ عمومی کرمان به ویژه سلجوقیان بوده، هم چنان ناشناخته مانده است؛ اما این کتاب در روزگار شاه عباس اول صفوی به نام «سلجوقیان و غز» در کرمان توسط میرزا محمدابراهیم خبیبی تحریر و تألیف شد و تکمله ای نیز بر «بدایع الأزمان» به نام «المضاف الی بدایع الأزمان فی وقایع کرمان» نوشته شده که قدیم ترین نسخه خطی یافت شده آن در سال ۷۶۳ ه. ق. (۱۳۲۶ م.) کتابت شده است.^۱

از بررسی این آثار بر می آید که «افضل» به عنوان یکی از مهم ترین بنیان های فکری در تاریخ نگاری کرمان، نه تنها می تواند سنگ بنای محکمی برای مکتب تاریخ نگاری کرمان باشد، گاه به عنوان راه گشای سایر مورخان کرمانی در بررسی تاریخ محلی این بخش از ایران زمین نیز مطرح می شود.

در میان سلسله هایی که در کرمان حضور یافتند، گذشته از سلجوقیان و غز، قراختایان جایگاه ویژه ای در تحولات سیاسی و اجتماعی کرمان دارند. در مورد این سلسله ها نیز آثار جالب توجهی نگارش یافته است که از دست مایه های اصلی تاریخ نگاری محسوب می شوند. آن چه را که ناصرالدین منشی کرمانی در اثر ارزشمند «سِمَطُ الْعُلَی لِلْخَضْرَاءِ الْعُلَی» به تاریخ کرمان در عهد قراختایان پرداخته، در واقع مکمل کتاب ارزشمند دیگری به نام «تاریخ شاهی قراختایان» می باشد که به احتمال زیاد، نوشته خواجه شهاب الدین ابوسعید است. اما هر دو کتاب از مهم ترین آثار تاریخ نگاری در تاریخ میانه ایران و منحصر به فردترین کتاب ها در تاریخ قراختایان است.

«تاریخ شاهی» گذشته از این که تاریخ سیاسی و اجتماعی کرمان را بررسی می کند، در سیاست مدن نیز تأملاتی قابل ملاحظه دارد، به گونه ای که می توان آن را ادامه اندیشه های افضل کرمان قلمداد نمود. ناصرالدین منشی کرمانی از برجسته ترین مورخان تاریخ ایران در عهد ایلخانان مغول است، که او در ۷۱۵ یا ۷۱۶ ه. ق. «سِمَطُ الْعُلَی» را تألیف کرد.^۲ یک دهه بعد (۷۲۵ ه. ق.) او به تألیف کتاب ارزشمند دیگری در تاریخ وزراء

۱- موسوی بجنوردی، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۵۲۰.

۲- ناصرالدین منشی کرمانی، نَسَائِمُ الْأَسْحَارِ مِنْ لَطَائِمِ الْأَخْبَارِ در تاریخ وزراء، تصحیح و مقدمه میرجلال الدین حسینی ارموی «محدث»، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸، مقدمه مصحح.

همت گماشت که «نَسَائِمُ الْأَسْحَارِ مِنْ لَطَائِمِ الْأَخْبَارِ» نام دارد. هم‌چنین او کتابی به نام «دُرَّةُ الْأَخْبَارِ وَ لُئْمَةُ الْأَنْوَارِ» از تنمّه «صَوَانُ الْحِكْمَةِ» ابوالحسن بیهقی را ترجمه کرده است^۱ که این آثار بیان‌گر درایت علمی و مهارت ناصرالدین منشی در تدوین تاریخ و کاربرد صنایع ادبی مربوط به محدوده زمانی خاصی، اما با نوعی بینش کلان‌نگری در تاریخ‌نگاری می‌باشد. ناصرالدین منشی به مانند افضل این ویژگی را دارد که ضمن این‌که در یک مقطع از تاریخ به بررسی رویدادها می‌پردازد، خود را در همان مقطع از تاریخ غرق نمی‌کند، چنان‌که نوشته‌های او در کتاب «نَسَائِمُ الْأَسْحَارِ» در مورد وزراء به خوبی بیان‌گر این مطلب است که او با بینشی فراتر از تدوین بخشی از تاریخ یک منطقه از ایران - قراختایان کرمان - آن‌گونه که در «سِمَطُ الْعُلَى» نشان داده، نه تنها در ارائه اطلاعات منحصر به فرد در شرح حال وزراء توانایی قابل ملاحظه‌ای دارد، که در این راه مقید به اصول تاریخ‌نگاری است.

ناصرالدین منشی کرمانی همواره سعی می‌کند میان رویدادهای کرمان روزه‌ای برای تحلیل تاریخ ایران زمین بیابد. به‌گونه‌ای که در میان نوشته‌های خود به برداشت‌های علمی نیز می‌پردازد، اما در عین حال، در آثار خود - به ویژه «سِمَطُ الْعُلَى» - نشان داده که از آوردن اشعار فارسی و عربی برای بیان و تشریح تاریخ نه تنها دریغ نمی‌کند، بلکه بدین وسیله بین رویدادهای تاریخی نیز ارتباط برقرار می‌سازد.

تاریخ کرمان از میانه سده هشتم هجری قمری تا دوره صفویه که مورخانی مانند میرمحمدسعید مشیزی و میرزا محمد ابراهیم خبیزی بار دیگر در مکتب تاریخ‌نگاری کرمان جهشی دوباره آفریدند، به مانند سایر بخش‌های ایران در آشوب‌های سیاسی حاصل از رقابت‌های حکام مختلف بود. پس از اضمحلال ایلخانان، آل مظفر و تیموریان مهم‌ترین سلسله‌هایی بودند که برای چند دهه توانستند در کرمان اعمال نفوذ کنند. کرمان در دوره آل مظفر به نوعی از اعتلای هنری نیز دست یافت که از آن نظر می‌تواند یادآور دوران سلاجقه (قاوردیان) باشد. یورش فرماندهان تیمور به کرمان و به‌ویژه سیرجان، با ویرانی و خسارت جدی همراه بود و پس از آن نیز آق‌قویونلوها تسلطی زودگذر بر کرمان یافتند. روی کار آمدن صفویان دوره نوینی از تاریخ کرمان بود، اگرچه

۱- ناصرالدین منشی کرمانی، نَسَائِمُ الْأَسْحَارِ مِنْ لَطَائِمِ الْأَخْبَارِ در تاریخ وزراء، تصحیح و مقدمه میرجلال‌الدین حسینی ارموی «محدث»، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸، مقدمه مصحح.

در آغاز با جدال‌های فراوانی همراه گشت و افشارها در تاریخ و سیاست^۱ آن نقش مهمی ایفا کردند، اما گنجعلی‌خان، حکمران برجسته عهد شاه عباس که سیمای کرمان را با عمران و آبادانی تغییر داد تأثیر به‌سزایی هم در شکوفایی اقتصادی و توسعه برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی کرمان در دوره صفویه داشت. در دوره صفوی بود که میرزا محمد ابراهیم خبیصی با تأمل در تاریخ کرمان در دوره سلجوقیان و با اتکا به آثار افضل کرمان، کتاب «سلجوقیان و غز در کرمان» را تألیف کرد.^۲ در همین دوره میرزا محمدسعید مشیزی (بردرسیری) با نوشتن کتابی منحصر به فرد به نام «تذکره صفویه کرمان» به شرح حال رجال دیوانی، سیاسی و فرهنگی کرمان پرداخت. مشیزی با نکته‌سنجی ویژه‌ای، اوضاع سیاسی و اجتماعی کرمان در دوره صفوی را مورد بررسی قرار داد.^۳

گذشته از تاریخ‌نگاران دوره صفوی، تاریخ‌نگاری کرمان در دوره قاجاریه به‌خاطر وجود تعدادی از مهم‌ترین تاریخ‌نگاران محلی و فرامحلی جایگاه ویژه‌ای دارد. آنچه را که احمدعلی‌خان وزیری در اواخر سده ۱۳ در تاریخ و جغرافیای کرمان به رشته تحریر درآورد، به‌عنوان مهم‌ترین منبع تاریخ و جغرافیای کرمان قلمداد می‌شوند. «تاریخ کرمان» وزیری با نوعی بینش کلان‌نگر تاریخی اگرچه به تاریخ عمومی کرمان می‌پردازد، اما در جای جای کتاب، مؤلف ارتباط تاریخی کرمان را با تاریخ ایران قطع نمی‌کند و از این جهت، نه تنها کتاب وزیری به‌عنوان مهم‌ترین منبع تاریخ کرمان، که از منابع مهم تاریخ ایران به‌ویژه بخش‌های جنوبی و جنوب‌شرقی محسوب می‌شود. ویژگی مهم وزیری در تاریخ‌نگاری، تأکید او بر تاریخ اجتماعی است. از آن‌جا که این نگرش در حد بالایی توسط مصحح کتاب نیز همیشه مورد توجه بوده، این کتاب از جهت تأکید بر تاریخ‌نگاری اجتماعی بسیار مهم است، در حالی که «تاریخ کرمان» وزیری از دو جنبه اساسی نیز قابل ملاحظه است:

الف) بینش تاریخ‌نگاری. ب) روش تاریخ‌نگاری.

۱- برای آگاهی بیشتر از نقش سیاسی افشارها در کرمان، مراجعه شود به: باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم، افشارها در تاریخ سیاسی کرمان، نامواره دکتر محمود افشار، تهران، موقوفات افشار، ۱۳۶۶، ج ۳.

۲- کتاب «تاریخ سلجوقیان و غز در کرمان» نخستین بار توسط هوتسما (M. Th. Houtsma) به‌چاپ رسید، ۱۸۸۶ م. پس از آن دکتر باستانی‌پاریزی آن کتاب را با مقدمه‌ای مفصل و تصحیح متن منتشر نموده‌است. (تهران، طهوری، ۱۳۴۳).

۳- کتاب «تذکره صفویه کرمان» توسط استاد باستانی‌پاریزی تصحیح و منتشر شده است. (تهران، علم، ۱۳۶۹).

بحث در این دو موضوع کلی، از حوصله این نوشتار خارج است، اما جای آن را دارد که در بینش و روش تاریخ‌نگاری وزیری و تمامی مورخان کرمان مطالعه اساسی انجام شود. کتاب «تاریخ کرمان» وزیری، گذشته از متن سلیس و روانی که دارد، به مجموعه‌ای از حواشی نیز مزین شده که نمودی از سبک تاریخ‌نگاری مصحح کتاب است. همچنین، مقدمه مفصل کتاب اطلاعات مفیدی در مورد تاریخ کرمان در عصر قاجاریه به ویژه منبع‌شناسی تاریخ کرمان ارائه می‌کند.

گذشته از وزیری، مورخان نامداری مانند میرزا محمد ناظم الاسلام کرمانی نویسنده «تاریخ بیداری ایرانیان»، میرزا آقاخان کرمانی نویسنده «آئینه سکندری»، شیخ یحیی احمدی کرمانی مؤلف «فرماندهان کرمان» و مجدالاسلام کرمانی که خاطرات او از مشروطیت در کتاب «سفرنامه کلات» گردآوری شده، از مهم‌ترین منابع تاریخ کرمان در دوره قاجاریه است. تمامی این مورخان با ایده‌های روشن‌گرانه‌ای که زمینه‌ساز مشروطیت بود، آشنایی داشته و در این مورد صاحب نظر بوده‌اند؛ و دیگر این که کرمانی‌ها در آفرینش ایده‌های آزادی‌خواهی و مشروطه‌خواهی نیمه نخست سده ۱۴ قمری و حتی پیش از آن، در آخرین دهه‌های سده ۱۳ جایگاه ویژه‌ای دارند که در این راستا میرزا آقاخان کرمانی - از پیشگامان آزادی‌خواهی ایران - به همراه شیخ احمد روحی کرمانی در زیر درخت نسترن کاخ محمدعلی شاه ولیعهد تبریز به شهادت رسیدند.

چهره‌های دیگری نیز در کرمان بودند که در اعتلای مشروطیت اقدامات مهمی انجام دادند که میرزا محمد ناظم الاسلام کرمانی (۱۳۳۷ - ۱۲۸۰ ه. ق.) از مهم‌ترین آنهاست. وی با میرزا آقاخان کرمانی نشست و برخاست داشته، به همین دلیل نیز برخی معتقدند آراء و عقاید میرزا آقاخان در افکار ناظم الاسلام بی‌تأثیر نبوده است. ناگفته نماند که میرزا آقاخان کرمانی که با کتاب «آئینه سکندری» پیشگام تاریخ‌نگاری نوین در ایران بوده، در اندیشه تاریخ‌نگاری ناظم الاسلام تأثیر فراوان داشت و از این رو است که کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» ناظم الاسلام را که در آن، حرکت مشروطیت را از کرمان که به گونه‌ای قابل تأمل بیان شده، می‌توان هم‌پایه آئینه سکندری میرزا آقاخان در نگارش تاریخ به شیوه نوین علمی به حساب آورد و با تجربه‌ای که ناظم الاسلام داشته، کتاب او به‌عنوان نخستین کتاب روشمند در تاریخ‌نگاری مطرح است.

گذشته از کتاب ناظم الاسلام، کتاب «فرماندهان کرمان» نوشته شیخ یحیی احمدی کرمانی (ربیع الاول ۱۲۸۷ ه. ق. / ۱۸۷۰ م. - شعبان ۱۳۳۹ ه. ق. / ۱۹۲۲ م.) از منابع

مهم دوره قاجاریه می باشد که اختصاص به تاریخ کرمان در سده سیزده قمری دارد. شیخ یحیی فرزند حاج آقا احمد است که روحانی عالم، فقیه و مجتهدی کامل و نیز عموی حاج میرزا محمد رضا عالم متشرعه و مخالف شیخیه در حوادث ۱۳۲۳ ه. ق. (پیش از مشروطه کرمان) بوده است. کتاب شیخ یحیی - فرماندهان کرمان - که به شرح تاریخ حکمرانی در کرمان و بیان اقدامات حکمرانان دوره قاجاریه کرمان می پردازد، از مهم ترین منابع تاریخ نگاری کرمان محسوب می شود. احمدی در دوران هر یک از حاکمان، اوضاع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایالت کرمان را بررسی می کند.

اگرچه کتاب او در حساس ترین لحظه از تاریخ معاصر کرمان، یعنی آغاز حوادث مشروطیت پایان می یابد و او تا بزنگاه تاریخ مشروطه پیش می رود، اما مرگ، فرصت نگارش مهم ترین دوره از تاریخ قاجاریه کرمان را از او می رباید، چه بسا اگر این فرصت را می یافت و تا پایان جنگ جهانی اول کتاب خود را ادامه می داد آن گاه مهم ترین تاریخ محلی کرمان در دوره قاجاریه نگارش می یافت. اما با همه این احوال، کتاب «فرماندهان کرمان» اگرچه به تحولات کرمان در دوره ۳۵ فرمانده قاجاری از ۵۲ فرمانده می پردازد، اما از ارزش ویژه ای در تاریخ این خطه از سرزمین ایران برخوردار است. شیخ یحیی که تاریخ نگاری را نزد مورخی مانند ناظم الاسلام کرمانی آموخته بود و حتی در کودکی مصاحبت با پیشرو روشنفکری ایران - میرزا آقا خان کرمانی - را تجربه کرده بود، از جمله چهره های شاخص در مکتب تاریخ نگاری کرمان است.^۱

کتاب «فرماندهان کرمان» توسط استاد باستانی پاریزی و با ضمیمه رساله ای در مورد حوادث کرمان در ۱۳۲۳ ه. ق. که تحولات سیاسی و اجتماعی کرمان را در جریان دعوای شیخی و بالاسری بیان می کند، تصحیح و منتشر شده است.^۲ این رساله معروف به «رساله کاتب کرمانی» از مؤلفی ناشناخته که به خاطر هم دوره بودن با شاعر طنزپرداز کرمانی، کاسب کرمانی، باستانی پاریزی این نام را بر او گذارده است.

۱- این تاریخ نگار کرمانی کتاب دیگری در گاه شمار وقایع مهم ایران و جهان داشته که مفقودالثر بود. تا این که به دنبال جستجوی بسیار در سال ۱۳۸۰ در رفسنجان به دست آمد و توسط نگارنده تصحیح و در شمار انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان با نام «تاریخ یحیی» و با شماره ۲۳۶ چاپ و منتشر گردد.

۲- احمدی کرمانی، شیخ یحیی، فرماندهان کرمان، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، چاپ اول ۱۳۴۴، چاپ چهارم به ضمیمه رساله کاتب کرمان، علم، ۱۳۷۰.

اگر چه رساله بر مبنای تمایلات شیخی^۱ نوشته شده است، اما از آن جا که به بررسی حوادث ۱۳۲۳ ه. ق می‌پردازد، که مهم‌ترین واقعه تاریخی کرمان در نیمه نخست سده ۱۴ و تأثیرگذار در روند مشروطیت محسوب می‌شود، از اهمیت بسیاری برخوردار است. گذشته از تاریخ‌نگارانی که در این مختصر معرفی شدند، برخی از چهره‌های ماندگار نیز در تاریخ‌نگاری کرمان حضور دارند که تأمل در شخصیت و بینش تاریخ‌نگاری هر کدام نیازمند مطالعه دقیق در آثار و احوال آن‌ها می‌باشد. اگرچه حسین کوهی کرمانی، سید محمد هاشمی کرمانی، علی اکبر سعیدی سیرجانی و نام‌آوران دیگری در عرصه تاریخ‌نگاری کرمان تلاش‌های علمی ارزنده‌ای انجام داده‌اند، اما از آن میان، سعید نفیسی کرمانی و دکتر محمدابراهیم باستانی‌پاریزی به دلیل مطالعات گسترده‌ای که در مورد تاریخ و فرهنگ ایران به‌ویژه کرمان انجام داده و همواره نام کرمان با تحقیقات تاریخی ایشان همراه بوده، مقام ویژه‌ای دارند که در دو بخش پایانی این دفتر به بینش تاریخ‌نگاری ایشان خواهیم پرداخت.

۱- فرقهای از شیعه امامیه اثنی عشریه. از پیروان شیخ احمد احسانی از علمای بزرگ شیعه در قرن ۱۳ ه. ق. شیخیه به «پشت سری» معروف هستند و مخالفان‌شان «بالا سری» و «متشرعه» نامیده می‌شوند و وجه این تسمیه آن است که ایشان به هنگام نماز در حرم ائمه، از لحاظ ادب و احترام، طوری می‌ایستادند که قبر ائمه میان ایشان و قبله واقع شود؛ یعنی پشت سر امام می‌ایستادند و مخالفان ایشان در این امر نوعی غلو دیده و گفته‌اند: «معنی این امر آن است که شیخیه امام را در حقیقت قبله قرار می‌دهند» و به همین جهت به هنگام نماز بالا سر مرقد (رو به قبله و پشت به مرقد) می‌ایستاده‌اند و به «بالا سری» معروف شده‌اند. اختلاف شیخیه با متشرعه بیشتر در اصول دین و مذهب و آن هم در تعبیر و تفسیر این اصول است، نه در انکار و اثبات اصلی از اصول دین یا اصول مذهب و اختلاف عمده آنان در دو اصل امامت و معاد است. (دایره المعارف اسلامی، ج ۲، بخش اول، ص ۱۵۲۴).